

امنیت غذایی از مزرعه آغاز می شود

کشت گندم در تله مطالبات



زمین کشاورزی برای کشت بعدی منتظر نمی‌ماند؛ با رسیدن فصل کشت، کشاور باید بذر تهیه کند، زمین را آماده سازد و هزینه آب، نهاده‌ها و نیروی کار را بپردازد. این هزینه‌ها در شرایطی به او تحمیل می‌شود که در آمد حاصل از محصول قبلی ممکن است هنوز به دستش نرسیده باشد. در چنین وضعیتی، انتخاب محصول دیگر تنها به شرایط آب‌وهوایی، کیفیت زمین یا نیاز بازار بستگی ندارد؛ نقدینگی و توان تأمین هزینه‌های اولیه نیز

در تصمیم‌گیری نقش تعیین‌کننده پیدا می‌کند. تأخیر در پرداخت مطالبات می‌تواند برنامه تولید را مختل کند و کشاورز را به سمت محصولاتی سوق دهد که درآمد سریع‌تر یا بیشتری دارند.

این مسئله برای محصولی مانند گندم اهمیت دوچندان دارد؛ محصولی که تولید آن با امنیت غذایی کشور پیوند خورده است. اگر کشاورز برای آغاز کشت بعدی به منابع مالی دسترسی نداشته باشد، ممکن است

بسته‌ای پر از محدودیت برای کشاورزان

مخارجی هستند که زمان‌بندی مشخص خود را دارند؛ اما درآمد کشاورز به زمان برداشت، کیفیت محصول، امکان فروش و نحوه تسویه وابسته است. اگر منابع مالی به‌موقع فراهم نشود، ممکن است کشاورز از خرید نهاده مناسب صرف‌نظر کند، سطح کشت را کاهش دهد یا محصول دیگری را جایگزین کند.

این مسئله در محصولاتی که دولت برای خرید تضمینی آن‌ها تعهد ایجاد می‌کند، اهمیت بیشتری دارد. خرید تضمینی زمانی می‌تواند به تثبیت تولید کمک کند که قیمت اعلام‌شده، امکان تحویل محصول و پرداخت به‌موقع، در کنار یکدیگر قرار بگیرند. اعلام قیمت بدون تأمین به‌موقع منابع مالی، همه نیازهای تولیدکننده را پاسخ نمی‌دهد؛ زیرا کشاورز برای آغاز فصل بعد به پول نیاز دارد، نه صرفاً وعده دریافت آن در آینده.

■ **گندم؛ محصولی فراتر از یک انتخاب اقتصادی**
گندم به دلیل جایگاهش در تأمین غذای پایه، اهمیت ویژه‌ای در سیاست کشاورزی دارد. وزارت جهاد کشاورزی برای سال زراعی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ تولید بیش از ۱۲ میلیون تن گندم را هدف‌گذاری کرده بود و سطح زیر کشت این محصول را حدود ۶۶۹ میلیون

مطالبات معوق و فرصت از دست‌رفته کشت

که احتمال دارد سطح کشت گندم در سال آینده نسبت به سال جاری به‌شدت کاهش پیدا کند. به گفته او، کشاورزی که مطالباتش را به‌موقع دریافت نمی‌کند و از زمان پرداخت نیز اطمینان ندارد، ممکن است به سمت محصولات دیگری مانند صیفی‌جات برود که درآمد بیشتری برایش دارند؛ حتی اگر این محصولات از نظر نیاز کشور در اولویت نباشند. این هشدار به معنای قطعی بودن کاهش سطح زیر کشت نیست، بلکه به خطری اشاره دارد که در صورت تداوم ناطمینانی مالی می‌تواند بر تصمیم تولیدکنندگان اثر بگذارد. انتخاب محصول برای کشاورز، در نهایت به مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و تولیدی وابسته است و زمان دسترسی به درآمد یکی از این عوامل به شمار می‌رود.

■ **پیامدهای تأخیر برای امنیت غذایی**
عضو کمیسیون کشاورزی مجلس تأکید کرد که تأخیر در پرداخت مطالبات گندم‌کاران را نباید صرفاً مسئله‌ای مالی و محدود به رابطه دولت و کشاورز دانست. از نظر او، این تأخیر می‌تواند بر انتخاب محصول برای فصل بعد اثر بگذارد و در نهایت، میزان تولید گندم و امنیت غذایی کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

سطح زیر کشت گندم را کاهش دهد یا محصول دیگری را جایگزین کند. در این میان، حتی اگر تولید گندم از نظر اقتصادی برای کشاورز توجیه داشته باشد، ناتوانی در تأمین هزینه‌های جاری می‌تواند این انتخاب را دشوار کند. بنابراین، پرداخت به‌موقع بهای محصولات تنها یک تعهد مالی نیست؛ عاملی مؤثر در تداوم تولید، حفظ انگیزه کشاورزان و جلوگیری از تغییر ناخواسته الگوی کشت است.

هکتار اعلام کرد. بااین حال، آمار خرید تضمینی منتشرشده در پایان مهر ۱۴۰۵ نشان داد که حدود ۸ میلیون و ۴۸۱ هزار تن گندم از کشاورزان خریداری شده است. هدف تولید و میزان خرید تضمینی دو شاخص متفاوت‌اند و نباید آن‌ها را معادل یکدیگر دانست.

حفظ تولید گندم تنها به میزان بارش یا کیفیت بذر وابسته نیست. سیاست خرید، زمان پرداخت مطالبات، دسترسی به نهاده و توان مالی کشاورز برای ورود به فصل بعد نیز در این مسیر نقش دارند. اگر درآمد یک محصول راهبردی با تأخیر به دست تولیدکننده برسد، ممکن است در رقابت با محصولاتی که بازده مالی سریع‌تر یا بالاتری دارند، جذابیت خود را از دست بدهد.

از این رو، حمایت از کشاورزی نباید به اعلام قیمت خرید یا پرداخت‌های مقطعی محدود بماند. برنامه‌ریزی مالی قابل پیش‌بینی، تأمین نهاده در زمان مناسب و توجه به شرایط اقلیمی و اقتصادی هر منطقه، برای تداوم تولید ضروری است. سیاستی که به کشاورز امکان برنامه‌ریزی بدهد، هم به پایداری درآمد او کمک می‌کند و هم احتمال نوسان تولید محصولات اساسی را کاهش می‌دهد.

گندم محصولی اساسی است و تداوم تولید آن به تصمیم‌هایی وابسته است که کشاورز در هر فصل می‌گیرد. اگر تولیدکننده نتواند درآمد حاصل از محصول قبلی را در زمان مناسب برای فصل جدید به کار بگیرد، ممکن است برنامه کشت خود را تغییر دهد. پیامد چنین تغییری نیز لزوماً در همان سال نمایان نمی‌شود؛ زیرا کاهش سطح کشت یا تغییر ترکیب محصولات می‌تواند در فصل برداشت بعدی خود را نشان دهد. میزرایبی با اشاره به همین ارتباط، پرداخت به‌موقع مطالبات و ایجاد اطمینان برای کشاورزان را برای تداوم تولید گندم مهم دانست. به گفته او، کشاورز باید بتواند درباره ادامه فعالیت خود برنامه‌ریزی کند و بداند درآمد محصول تحویلی چه زمانی در اختیارش قرار می‌گیرد. در مجموع، محور هشدار میزرایبی این است که حمایت از تولید گندم فقط به تعیین قیمت خرید تضمینی محدود نمی‌شود. زمان پرداخت مطالبات نیز می‌تواند در تصمیم کشاورز برای ادامه کشت این محصول نقش داشته باشد. اگر هدف، حفظ تولید گندم و پشتیبانی از امنیت غذایی است، باید میان زمان‌بندی پرداخت‌ها و نیاز مالی کشاورزان برای ورود به فصل جدید تناسب برقرار شود.

سخن پایانی

برای جلوگیری از چنین وضعیتی، لازم است پرداخت مطالبات با زمان نیاز کشاورز به سرمایه در گردش هماهنگ باشد. اعلام قیمت خرید تضمینی، زمانی اثر حمایتی بیشتری دارد که تولیدکننده بتواند روی زمان دریافت پول حساب کند. همچنین، تصمیم‌گیری درباره الگوی کشت باید با توجه به شرایط هر منطقه، منابع آب و نیاز بازار انجام شود.

حفظ تولید گندم با توصیه و هشدار به کشاورزان ممکن نمی‌شود. تداوم این تولید به سیاست‌هایی نیاز دارد که هزینه و درآمد کشاورز را در یک چرخه قابل پیش‌بینی قرار دهد؛ چرخه‌ای که در آن، تحویل محصول پایان حمایت نباشد، بلکه آغاز امکان کشت بعدی باشد.

چین چگونه از غذا به‌عنوان سلاح استفاده می‌کند؟

حسین شیرزاد- تحلیلگر حوزه کشاورزی: چین پس از آغاز اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۷۸ و پیوستن به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، به‌تدریج در تجارت جهانی کشاورزی جایگاهی تعیین‌کننده پیدا کرد. با این حال، گسترش تجارت به معنای رفع وابستگی نیست. افزایش درآمد خانوارها و تغییر الگوی مصرف، تقاضا برای گوشت، لبنیات و خوراک دام را بالا برده و واردات را به بخشی مهم از تأمین نیازهای داخلی تبدیل کرده است. به همین دلیل، دسترسی به منابع خارجی هم برای اقتصاد چین ضرورت دارد و هم می‌تواند در شرایط تنش سیاسی به نقطه آسیب‌پذیری تبدیل شود. یکی از ابزارهای مهم چین در مناسبات تجاری، دسترسی به بازار گسترده مصرفی این کشور است. هنگامی که روابط پکن با شرکای تجاری تیره می‌شود، محدودیت یا توقف واردات برخی محصولات می‌تواند تولیدکنندگان خارجی را تحت فشار قرار دهد. کشاورزی از این‌منظر تفاوتی با سایر بخش‌های تجارت ندارد، اما به دلیل وابستگی درآمد کشاورزان به بازارهای صادراتی و حساسیت محصولات غذایی، تصمیم‌های وارداتی چین می‌تواند پیامدهای اقتصادی قابل‌توجهی داشته باشد. در سال ۲۰۲۵، در جریان اختلاف تجاری با ایالات متحده و پس از اعمال تعرفه‌های دولت دونالد ترامپ، واردات سویای امریکایی از سوی چین برای مدتی متوقف شد. این اقدام فشار تازه‌ای بر کشاورزان امریکایی وارد کرد و نشان داد که تجارت محصولات کشاورزی می‌تواند بخشی از ابزارهای مذاکره در منازعات اقتصادی باشد. در مقابل، توافق‌های تجاری نیز می‌توانند دسترسی صادرکنندگان به بازار چین را دوباره برقرار کنند و به کاهش تنش‌ها کمک کنند. چنین الگویی محدود به امریکا نیست. اختلافات تجاری چین با کانادا و تنش‌های سیاسی این کشور با ژاپن نیز در مواردی با محدودیت واردات محصولات کشاورزی یا غذایی همراه شده است. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که بازار چین برای صادرکنندگان خارجی هم فرصتی بزرگ است و هم منبعی از ریسک؛ ریسکی که در صورت وابستگی شدید به یک مقصد صادراتی، می‌تواند به مسئله‌ای راهبردی تبدیل شود. با وجود وسعت بخش کشاورزی و تلاش‌های گسترده برای افزایش تولید داخلی، چین همچنان برای تأمین بخشی از نیازهای غذایی خود به واردات وابسته است. افزایش مصرف محصولات حیوانی، تقاضا برای خوراک دام و مواد اولیه کشاورزی را بالا برده است. بر اساس آمار ذکرشده در متن مینا، واردات مواد غذایی چین در سال ۲۰۲۳ به حدود ۲۱۵ میلیارد دلار رسید و این کشور برای تأمین نزدیک به ۸۵ درصد سویا و بیش از ۶۷ درصد محصولات روغنی و آجیل به تأمین‌کنندگان خارجی متکی بود. این وابستگی، محاسبات سیاست‌گذاران چینی را پیچیده می‌کند. استفاده از بازار وارداتی به‌عنوان اهرم فشار، زمانی کارآمد است که محدودیت تجارت به امنیت غذایی و هزینه‌های داخلی آسیب جدی وارد نکند. در نتیجه، پکن باید میان اهداف سیاسی خارجی و نیاز به واردات مقرون‌به‌صرفه تعادل برقرار کند. خرید محصولات غذایی از شرکای مختلف، تنوع‌بخشی به منابع تأمین و توسعه ظرفیت تولید داخلی، از جمله راههایی است که می‌تواند خطر اختلال در زنجیره تأمین را کاهش دهد. اهمیت امنیت غذایی در چین ریشه تاریخی نیز دارد. تجربه قطعی‌های گسترده در قرن بیستم و پیوند بحران‌های غذایی با بی‌ثباتی اجتماعی، باعث شده است تأمین غلات اساسی و حفظ زمین‌های کشاورزی در سیاست‌گذاری این کشور جایگاهی ویژه داشته باشد. دولت چین در دهه‌های گذشته با تعیین اهداف خودکفایی در غلات، حمایت از تولید داخلی و محدودکردن تغییر کاربری زمین‌های زراعی، تلاش کرده است کنترل بیشتری بر منابع غذایی خود داشته باشد.

چین برای کاهش وابستگی و افزایش بهره‌وری، تنها به گسترش سطح زیر کشت متکی نیست. مکانیزاسیون، کشاورزی هوشمند و توسعه زیست‌فناوری از محورهای اصلی این راهبرد به شمار می‌روند. بر اساس آمار ارائه‌شده در متن مینا، نرخ مکانیزاسیون مراحل شخم، کاشت و برداشت در چین در سال ۲۰۲۵ به ۷۶.۷ درصد رسید و شمار پهپادهای کشاورزی این کشور از ۳۰۰ هزار دستگاه فراتر رفت.

توسعه ماشین‌آلات پیشرفته، کمباین‌های پرظرفیت، پهپادهای سم‌پاش و تجهیزات مناسب زمین‌های شیب‌دار می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد و بخشی از فشار ناشی از کاهش نیروی کار را جبران کند. برنامه‌های کشاورزی هوشمند نیز بر استفاده از داده، تجهیزات دیجیتال و بهبود مدیریت تولید تمرکز دارند. در کنار این اقدامات، چین در زمینه محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی و فناوری‌های مرتبط با بذر نیز رویکرد فعال‌تری به پیش گرفته است. راهبرد چین به تولید داخلی محدود نمی‌شود؛ شرکت‌های این کشور در حال تقویت حضور خود در بازارهای خارجی و بخش‌های مختلف زنجیره تأمین کشاورزی هستند. خرید شرکت‌های فعال در حوزه بذر، آفت‌کش و فراآوری محصولات، راهی برای دسترسی به فناوری، شبکه‌های توزیع و بازارهای تازه است. خرید شرکت سوئیسی سینجنتا از سوی شرکت دولتی کم‌چاینا در سال ۲۰۱۷، نمونه‌ای برجسته از تلاش چین برای دستیابی به ظرفیت‌های پیشرفته در نهاده‌های کشاورزی بود. گسترش فعالیت شرکت‌های چینی در امریکای لاتین، به‌ویژه برزیل، نیز از اهمیت این منطقه در تأمین محصولات کشاورزی و توسعه همکاری‌های تجاری حکایت دارد. در صنعت آفت‌کش‌ها هم شرکت‌های چینی در سطوح مختلف بازار، از تولید مواد مؤثر تا عرضه محصولات ژنتیک، حضور پررنگ‌تری پیدا کرده‌اند. این روند می‌تواند جایگاه آن‌ها را در زنجیره جهانی نهاده‌های کشاورزی تقویت کند. در مجموع، سیاست غذایی چین بر دو هدف هم‌زمان استوار است: استفاده از قدرت بازار برای افزایش نفوذ تجاری و کاهش آسیب‌پذیری از طریق فناوری، تنوع‌بخشی به منابع تأمین و توسعه ظرفیت‌های داخلی و خارجی. با این همه، وابستگی به واردات همچنان محدودیتی مهم باقی می‌ماند. قدرت غذایی پکن نه فقط به حجم تولید یا اندازه بازار آن، بلکه به توانایی‌اش در مدیریت این وابستگی و حفظ جریان پایدار تأمین در شرایط تنش‌های بین‌المللی بستگی دارد.



تأثیر در پرداخت مطالبات، توان مالی کشاورزان برای آغاز کشت بعدی را محدود می‌کند



تغییر انتخاب محصول به سود در آمد کوتاه‌مدت، می‌تواند تولید گندم و امنیت غذایی را تحت فشار بگذارد